

نام کتاب:

مهدویت در ادیان مختلف

(زرتشتی، هندو، بودا، یهود، مسیح، اسلام، اهل سنت و شیعه)

نویسنده: معصومه سالم کار

سالم کار، معصومه

مهدویت در ادیان مختلف/نگارش و پژوهش معصومه سالم کار--

قزوین: سایه گستر، ۱۳۸۴.

۱۵۶ ص.

ISBN- 964-502-033-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۵۰-۱۵۴، همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت در ادیان . ۲. مهدویت --

مهدویت --



الف. عنوان.

۹ م ۲ / ۲ / ۲۲۴ BP

کتابنامه ملی ایران

۱۹۰۷۲-۸۴ م

نویسنده: معصومه سالم کار

صفحه آرا: مرجان کاظمی - سیده سودابه احمدی

طراحی جلد: مژگان گروه‌ای

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۴

لیتوگرافی: سعیدی - قم

چاپ: زیتون - قم

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۵۰۲-۰۳۳-۸

انتشارات سایه گستر - قزوین - خیابان بوعلی - روبروی بیمارستان بوعلی - پلاک ۳۱۰

تلفن: ۰۲۸۱-۲۲۳۸۰۳۳-۲۲۳۵۳۰۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف - ب	چکیده
۱	پیش گفتار
۴	مقدمه
۱۰	شیعه و تشیع
۱۵	مهدویت در ادیان مختلف
۲۰	مهدویت در منابع زردشتی
۲۶	مهدویت در منابع کتب عهد عتیق
۳۴	اعتقاد به نجات دهنده در آیین هندی
۳۶	مهدویت در کتاب انجیل
۴۱	مقایسه انجیل با روایات اسلامی
۴۹	مهدویت از دیدگاه اهل تسنن
۹۲	مهدی موعود در اعتقاد شیعه
۹۷	سیمای مهدویت در قرآن
۱۱۸	احادیث پیامبر و ائمه طاهرين ^(ع) درباره مهدی
۱۲۲	نویدهای پیامبر ^(ص)
۱۲۷	نویدهای امیرالمؤمنین علی ^(ع)
۱۲۹	حدیث معروف «لوح فاطمه» ^(ع)
۱۳۴	لزوم وجود حجت در تمام اعصار
۱۴۴	داستان دجال
۱۵۰	فهرست آیات قرآن
۱۵۲	فهرست منابع و مآخذ

چکیده

به نام او که هستی بخش دلهاست به نام او که جان را کرد هویدا. هم او که ابتدا عاشقترین بود، سپس انسان را کرد عاشق.

با استعانت از خدای متعال تلاش بر این است که موضوع مهدویت را در منابع مختلف دینی و در ادیان مختلف مورد بررسی قرار دهیم تا به دین وسیله اثبات نماییم که منتظران منجی عالم تنها شیعیان نیستند بلکه در میان همه فرق این عقیده وجود دارد که نجات‌دهنده‌ای می‌آید و آنان را از رنج و عذاب و ستم ستمگران رها خواهد کرد.

در مکتب زردشت سوشیانس در مکتب مسیحیت عیسی (ع) در سایر مکاتب نجات‌دهنده‌ای که آنان را برهاند ولی با این تفاوت که هر یک نجات‌دهنده را از قوم خود می‌داند.

به هر حال با مراجعه به کتابهایی که در این زمینه موجود است در حدّ توان اندک و فقر علمی خود توانستم این مهم را به انجام برسانم.

این کتاب در چندین قسمت تهیه گردید ابتداء جهت بست و گسترش موضوع به بررسی شیعه و تشیع پرداخته سپس مهدویت را در ادیان مختلف بررسی کرده‌ام و لازم دیدم که

از دین زردشت آغاز نمایم زیرا به نظر می‌رسد در این مکتب اصولاً نباید اعتقادی به این موضوع باشد ولی در بررسی‌های به عمل آمده این مطلب عکسش به اثبات رسید. سپس به بررسی کتب عهد عتیق پرداخته و در این منابع نیز موارد بسیاری مشاهد شد که به آمدن منجی اشاره دارد. و بعد به مقایسه انجیل با اسلام پرداخته تا شباهتها و اختلافات معلوم گردد. در فصلهای بعدی به کتب اسلامی نگاهی شد بخصوص کتب اهل سنت همانهایی که منکر ظهور حضرت هستند. و قابل توجه بود که علمای اهل سنت بیشتر از علمای شیعه به این موضوع پرداخته‌اند و حتی کتابهای بسیاری در این زمینه تألیف نموده‌اند. در نهایت جالب دیدم که روایتی را که یکی از دوستان اهل بیت نقل کرده جهت حسن ختام کتاب ذکر کنم باشد که مورد قبول حضرت صاحب‌الامر واقع گردد.

انشاء الله

بسم الله الرحمن الرحيم

(یا صاحب الزمان ادرکنی)

پیش گفتار

خدا همه خلایق را به اطاعت از حضرت مهدی^(ع) دعوت کرده است زیرا اطاعت از او اطاعت از پیامبر^(ص) است و اطاعت از پیامبر^(ص) اطاعت از خداوند «جل و جلاله» می باشد. و خداوند همه عالم را برای عبادت و اطاعت از خویش آفریده است.

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱

من جن و بشر را جز برای عبادت خویش نیافریدم.

پس برای اطاعت از مهدی^(ع) باید ولایت و محبت او را در دل داشت و برای حصول محبت او باید درصدد شناخت او برآمد. زیرا بدون شناخت او محبت او در دل نمی نشیند و بدون محبت او اطاعت و تبعیت از او شحل می حیرد و به

تبعیت از آن دین‌داری تحقق نمی‌یابد و انسان دچار سرگشتگی و ضلالت می‌گردد. و چنین است که در مقام دعا به ما آموخته‌اند:

«اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ فَاتَكَ اِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي حَجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^۱

خدایا حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت خویش را به من نشناسانی، از مسیر دین خویش گمراه خواهم شد. و فرموده‌اند: «مَنْ اَنْكَرَ الْمَهْدِي فَقَدْ كَفَرَ»

هر کس که مهدی^(ع) را انکار کند کافر گردیده است. و نیز در جای دیگر فرموده‌اند:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيَّةً جَاهِلِيَّةً»^۲

هر کس بمیرد درحالی‌که امام زمانش را نشناخته باشد به مردن جاهلیت مرده است.

بر این اساس است که دین اسلام جز در محدوده تشیع که همان تبعیت از دین است شکل نمی‌گیرد.

و در واقع تشیع چیزی جز حقیقت اسلام ناب محمدی نیست. و امامت چیزی جز استمرار رسالت پیامبر گرامی اسلام نیست.

و در نهایت مهدویت چیزی جز حیات و پویایی امامت در

۱- اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۷ خ ۵

۲- بحار الانوار ج ۸ ص ۳۶۸ خ ۴۱

عصر غیبت و حاکمیت جهانی توحید و عدالت در عصر ظهور نیست.

همین نگرش است که دشمنان اسلام را در طول تاریخ به توطئه چینی و دسیسه برای محو تشیع و امامت و مهدویت وا داشته است.

با این همه تنها اصالت تشیع، غنای امامت و اعتبار مهدویت بوده است که بقای سنت راستین پیامبری و تحقق پذیری تعالیم قرآنی و رشد معارف آینده ساز و آرمان گرای ولایی را تضمین نموده است.

پژوهش زیر سعی بر آن دارد که ابتدأ مسئله تشیع را مطرح نماید تا در ابتداء راه، شیعه که پیرو مهدویت است خود تثبیت گردد و سپس موضوع مهدویت مورد تحلیل قرار گیرد. البته امید بر آن است که لطف ولی عصر (عج) شامل حال ما گردد. و در راه به انجام رساندن آن ما را یاری نماید.

انشاء الله

مقدمه

جهان امروز در بن‌بستی قرار گرفته که آرامش و ثبات خود را از دست داده است، و تمام بزرگان و دانشمندان و روشنفکران برای اصلاح و برقراری آن در تلاش و گفتگو هستند، سازمانها تشکیل می‌دهند، از یکدیگر استمداد می‌طلبند هیئتهای حسن‌نیت می‌فرستند اعلامیه‌های حقوقی صادر می‌کنند پیمانهای دسته‌جمعی می‌بندند، قراردادهای عدم تجاوز امضاء می‌کنند و خلاصه به زور و قدرت متوسل می‌شوند تا بلکه مردم جهان را از سرکشی و طغیان باز دارند و صلح و آرامش و عدالت اجتماعی برقرار نمایند. ولی هیئات کجا می‌توان با این تشریفات این هدف عالی را تعقیب کرد؟ کجا می‌توان با این سخنان زمام مردم را در دست گرفت؟ زیرا مردم جهان هر یک در دسته و مرام و مسلک خاصی عضو هستند و هر یک عقاید و اندیشه دیگری دارند از همه بالاتر هر فرقه دارای دین و مذهب جداگانه‌ای هستند که با این اختلافات موجود امکان سازش

در میان خلق جهان بسیار ضعیف به نظر می‌رسد مگر اینکه افراد عالم تحت یک حکومت یک فرمان، یک دین و یک آئین و مرام در آیند.

آن وقت است که امکان صلح و آرامش و برقراری عدالت اجتماعی فراهم خواهد شد. و این ایده و آرزو هم گویا در نهاد تمام انسانها نهاده شده است.

آیا برای رسیدن به این آرزو و هدف عالی امیدی هست؟ از آنجا که انتظامات عالم از نظر تکامل و حرکت موجودات باید به مرحله‌ی عالی خود برسد تا مقرراتی که برای عالم آفرینش وضع شده در مرحله‌ی اجراء قرار گیرد، لذا پیش‌بینی می‌شود که مقدمات چنین امری فراهم خواهد شد که هم افراد عالم مراحل را به سوی معنویت طی نمایند و هم منظور نهایی از خلقت انسانی که همانا بندگی خداوند است ظاهر و آشکار گردد. آنچه را که در دنیای امروز مشهود است این است که اوضاع جهان روز به روز آشفته‌تر و دامنه‌ی ترویج فساد و فحشاء گسترده‌تر می‌گردد، تمام اصول اخلاقی و معنوی دستخوش هواهای نفسانی و بی‌بند و باری قرار گرفته و مردم جهان را به سوی هدف نامعلومی پیش می‌برد ولی آنچه که در این آشفته بازار مایه امیدواراست همانا پیشرفت علم و دانش از جهات مختلف و ترقی و تعالی در گسترش عقلی افراد انسانی می‌باشد که

امکان بالا بردن سطح افکار بشری را در راه صعود به مرحله‌ی عالی معنویت فراهم می‌نماید و همان طور که امروز اختراعات و اکتشافات تازه حتی به مرحله‌ای رسیده که دانشمندان جهان درصدد ساختن سلولهای زنده هستند و برای زندگی در کرات آسمانی آماده می‌شوند بعید نیست که هم زمان با این تحولات، علوم دینی و اصول خداشناسی هم دچار تحول شده و قوت گیرد و در راه ساختن جهانی نو که تمام افراد آن خداپرست باشند گام برداشته شود. و این نظریه با عقاید بعضی از دانشمندان موافق است که می‌گویند: اکنون دنیا روی دو جهت پیش می‌رود، یکی ظلم و بی‌دادگری که فساد و فحشاء ناشی از اثرات آن است، و دیگر پیشرفت علوم الهی که نتیجه آن انتظار فرج و گشایشی در راه دادگستری و پیدایش مصلح حقیقی جهان است. پس با توجه به این تفکر باید انتظار داشت که دنیا از این دو جهت آمادگی پیدا کرده و در آینده نزدیکی خلق عالم با آغوش باز از منجی حقیقی و رهبر عدل جهانی استقبال نمایند. همانطور که از ابتدای خلقت تا کنون خدای تعالی هر روز برای امر آفرینش در کاری بوده و در هر دوران از نظر سیر تکامل نقشه‌هایی به مورد اجراء گذاشته است از این پس نیز برنامه‌هایی دارد که برای هدف نهایی از نتیجه

خلقت انسانی بکار خواهد گرفت.^۱

اگر به اوضاع جهان از بدو خلقت نظری بیفکنیم و یا به کتب آسمانی مراجعه نماییم، خواهیم دریافت که گردش روزگار همواره نظم خاصی را داشته است که در هر مرحله به تناسب استعداد و ظرفیت انسانها تحقق پذیرفته است و در بررسی این موضوع به خوبی می‌توان به داستان انبیاء اشاره کرد که برای هدایت و ارشاد مردم هر یک در زمان خود چه سرگذشتهایی داشته و چه برنامه‌هایی انجام داده‌اند که در اینجا مجالی برای مطرح کردن آنها نیست، ولی شاهد کلام تحول عظیمی است که در خلال اجرای برنامه‌های الهی صورت گرفته و فرمان خاتمیت رسالت در شأن وجود پیغمبر خاتم صادر گردیده است که بدون هیچ شک و تردید قرآن مجید آنرا بر تمام جهانیان اعلام داشته و از آن پس هدف برنامه الهی مسیر خود را به سوی نتیجه نهایی از خلقت جهان آفرینش تغییر داده است و با آنکه خدای تعالی امر ارسال رسل را متوقف ساخته است ولی برای اجرای برنامه‌های بعدی و برای حصول نتیجه از امر آفرینش، جهان را بی‌سرپرست نگذاشته است و زمام امور را به دست حجت‌های خود سپرده است و آخرین حجت خود را در سراپرده غیبت نهان داشته تا آخرین برنامه تنظیمی

۱- و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون. سوره ذاریات (۵۱) آیه ۵۶

را از نظر خداشناسی همگانی و عدالت اجتماعی برقرار نماید.

آری افکار جهانیان به وسیله برنامه منظم از پیش تعیین شده الهی آماده پذیرفتن حکومت عدل الهی خواهد شد.

از اوضاع و حوادث عمومی جهان می توان حدس زد که بشر در آینده نزدیک بر سر یک دو راهی بسیار حساسی واقع خواهد شد. آن دو راه عبارت است از: مادیگری محض یا توحید خالص.

یعنی جهان انسانیت یا باید چشم بسته تسلیم ماده و مادیات گردد و به احکام خداوندی یک سره پشت پا بزند یا خدا را حاکم بر دستگاه آفرینش بداند و قوانین خدایی را گردن نهد و علاج بحرانهای جهانی و اصلاح بشر را از قوانین آسمانی جستجو کند و به قوانین غیر الهی متعبد نگردد.

لیکن بطور قطع می توان گفت که غریزه خدا پرستی و دین جویی بشر هرگز خاموش نمی شود و همان گونه که ادیان آسمانی مخصوصاً دین اسلام پیش بینی نموده اند، حزب خداپرستان عاقبت پیروز و غالب می گردد و اقتدار و حکومت جهان در دست مردم صالح و شایسته واقع خواهد شد و اجتماع بزرگ انسان، بر پایه های فضائل انسانیت و اخلاق نیک و عقاید صحیح استوار می گردد. تمام تعصبات

غلط و معبودهای دروغین اختلاف‌انگیز، از بین می‌روند و تمام جهانیان در مقابل معبود یگانه و دستوراتش سر تسلیم فرود می‌آورند. گروه خداپرستان و حزب توحید در محوطه وسیع و حصار محکم ایمان جایگزین می‌گردند و دعوت پیغمبر اسلام^(ص) و قرآن شریف را اجابت می‌کنند.

آری قرآن کریم به اهل جهان پیشنهاد می‌کند که: بیایید تا همه ما در تحت یک کلمه و برنامه مشترک داخل شویم و تصمیم بگیریم که به جز خدای یگانه، معبودی نگیریم و در مقابل هیچ موجودی به جز خدا خضوع و عبادت نکنیم و افراد بشر را واجب‌الاطاعه ندانیم.^۱